

العلویه: ابونصر البخاری (م. قرن ۴ق.)، به کوشش بحر العلوم، الرضی، ۴۱۳ق؛ شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید (م. ۶۵۶ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق؛ عمدة عیون صحاح الاخبار: ابن البریق (م. ۶۰۰ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۷ق؛ الفهرست: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش قیومی، نشر الفقه، ۱۴۱۷ق؛ قاموس الرجال: محمد تقی شوشتری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۸ق؛ کشف الظنون: حاجی خلیفه (م. ۱۰۶۷ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق؛ معجم رجال الحدیث: الخوئی (م. ۱۴۱۳ق.)، بیروت، ۱۴۰۹ق؛ معجم ما الف عن المدینة المنوره: عبدالرزاق فراج الصاعدی، جده، المكتبة القصریة الذهبیه، ۱۴۱۷ق؛ معجم ما کتب عن الحج: عبدالجبار الرفاعی، تهران، مشعر، ۱۴۲۷ق؛ المناسک واماکن طرق الحج: ابواسحاق الحربی (م. ۲۸۵ق.)، به کوشش حمد الجاسر، ریاض، دار الیمامه، ۱۴۰۱ق؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق.)، به کوشش السامرائی، مؤسسة الفرقان، ۱۴۲۲ق.

علی احمدی میرآقا



أخبار المدینة مدائنی: از آثار کهن و

گمشده مدینه شناسی، نوشته ابوالحسن

علی بن محمد مدائنی (۱۳۵-۲۲۵ق.)

موضوع این کتاب، تاریخ و اوضاع

جغرافیایی - تاریخی کوهها، درهها و مناطق

مدینه است. برخی بر این باورند که مدائنی دو

کتاب در تاریخ مدینه داشته: یکی حمی المدینة و جبالها و اودیتها و دیگری تاریخ المدینة.^۱ آگاهی های مربوط به شماره و نام آثار مدائنی را ابن ندیم (م. ۳۸۵ق.) و یاقوت حموی (م. ۶۲۷ق.) و دیگران از نگاهسته ابوالحسن بن کوفی برگرفته اند. در این نگاهسته، اثر حاضر با عنوان کتاب المدینة ثبت شده است.^۲ اما در کتابشناسی های متأخر به اخبار المدینة تغییر نام یافته است.^۳ بغدادی دو بار به این کتاب اشاره دارد. یک جا آن را اخبار المدینة و الجبال و جای دیگر اخبار المدینة و الجبال و اودیتها خوانده است.^۴

علی بن محمد بن عبدالله بن ابی سیف معروف به ابوالحسن مدائنی از تاریخ نگاران مغازی و سیره و نسب، در بصره زاده شد و رشد کرد و در مدائن ساکن گشت. سپس به بغداد رفت و تا پایان عمر همان جا سکونت گزید.^۵ نزدیک به ۱۰۰ سال زیست و سال وفات او را به اختلاف ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۳۱، ۲۳۵ق. ثبت کرده اند.^۶ خوانساری تذکر

۱. نک: الفهرست، ص ۱۱۶؛ ایضاح المکتون، ج ۱، ص ۴۶؛ مجلة

العرب، ش ۴، ص ۲۶۳، «مؤلفات فی تاریخ المدینة».

۲. الفهرست، ص ۱۱۳-۱۱۷؛ معجم الادباء، ج ۱۴، ص ۱۳۹.

۳. نک: معجم ما الف عن المدینة، ص ۳۰؛ ایضاح المکتون، ج ۱،

ص ۴۶.

۴. ایضاح المکتون، ج ۱، ص ۴۶؛ هدیه العارفین، ج ۱، ص ۶۷۰.

۵. تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۵؛ الکامل، ج ۶، ص ۵۱۶.

۶. تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۵؛ تاریخ مولد العلماء و وفیاتهم، ج ۲،

ص ۴۹۵؛ النجوم الزاهره، ج ۲، ص ۲۵۹.

روایت‌های مسند او را کم‌شمار می‌دانند.^۷ مدائنی با حمایت مادی و معنوی اسحاق بن ابراهیم موصلی (م. حدود ۲۳۵ق.) توانست آثاری گسترده بیافریند.^۸ جز برخی، همه این آثار گم شده‌اند. ابن ندیم (م. ۳۷۶ق.) فهرستی از ۲۳۹ اثر وی فراهم کرده است.^۹ بعدها یاقوت حموی (م. ۶۲۷ق.) روا دید که برای بهره‌گیری بهتر به دسته‌بندی موضوعی این آثار پردازد.^{۱۰} از هم‌روزگاران ما نیز مارگلیوت در بازخوانی میراث دانشی مدائنی، نتایج کار او را در هشت دسته^{۱۱} رده‌بندی کرده است: ۱. گزارش‌های پیامبر و قریش و نسب و همسران آن‌ها. ۲. گزارش‌های خلفا و رویدادهای تاریخ اسلام. ۳. نبردها و مغازی. ۴. مباحث اخلاقی و جغرافیا. ۵. تاریخ شعر و ادب. ۶. تاریخ فرهنگی. ۷. گزارش‌های مردم عرب. ۸. فتوحات. حموی کتابی پربزرگ با عنوان *الدولة العباسية* بر فهرستی که ابن ندیم از آثار او فراهم ساخته، افزوده است.^{۱۲} *المغازی* و نیز *تاریخ الخلفای مدائنی* مورد استفاده طبری و بلاذری و یاقوت حموی قرار گرفته و گزارش‌هایی بسیار از این دو اثر نزد

۷. لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۵۳؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۵۲.
 ۸. نک: الوافی بالوفیات، ج ۲۲، ص ۲۹.
 ۹. الفهرست، ص ۱۱۲-۱۱۷.
 ۱۰. معجم الادباء، ج ۱۴، ص ۱۳۳-۱۳۹.
 ۱۱. دراسات عن مورخین العرب، ص ۸۵-۸۹.
 ۱۲. معجم الادباء، ج ۱۴، ص ۱۳۴؛ الوافی بالوفیات، ج ۲۲، ص ۳۱.

داده است که نباید وی را با ابوالحسن مدائنی بصری، فقیه محدث که روایت‌های صحیح بخاری به وی منتهی می‌شود، یکی دانست.^۱ گفته‌اند مدائنی و ابوبکر اصم و حفص الفرد و برخی دیگر از دانشوران آن روزگار، نخست از شاگردان مَعمر بوده و دانش کلام را نزد او آموخته‌اند.^۲

منابع تاریخی از گفت‌وگویی میان مدائنی و مأمون یاد کرده‌اند که می‌توان آن را نشانه تشیع و گرایش وی به اهل بیت علیهم‌السلام و مخالفتش با معاویه و بنی‌امیه دانست.^۳ یحیی بن معین که در منابع رجالی و تراجم اهل سنت از داوران شناخته شده جرح و تعدیل محدثان است، تأکید کرده که وی موثق و صادق است.^۴ برخی از محدثان بر این باورند که ابوالحسن مدائنی، خود، به مثابه سند و معتبر است.^۵ اما برخی بر آنند که مدائنی در روایت‌هایی که از ثقات گزارش می‌کند، موثق است. تفسیر خوانساری از این سخن آن است که مدائنی به وفور از ناشناختگان روایت می‌کرده و همین، وثاقت و اعتبارش را کاهش داده است.^۶ برخی نیز او را ضعیف دانسته،

۱. روضات الجنات، ج ۵، ص ۱۹۲.
 ۲. الفهرست، ص ۱۱۳.
 ۳. تاریخ الاسلام، ج ۱۶، ص ۲۹۰.
 ۴. تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۵؛ نک: شذرات الذهب، ج ۲، ص ۵۴.
 ۵. تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۵.
 ۶. روضات الجنات، ج ۵، ص ۱۹۲.

نویسندگان و تاریخ‌نگاران محفوظ مانده است.^۱ دست‌نوشته بخش‌هایی از کتاب *المغازی* را بروکلیمان شناسایی و گزارش کرده است.^۲ گزارش‌های مدائنی در متون ادبی نیز بازتاب یافته است؛ از جمله در *الآغانی* که نشان می‌دهد وی در حفظ و روایت قصاید و اشعار شاعران دقت و توانایی داشته است. در *نور القیس* نیز برخی از نقل‌شده‌های مدائنی از روزگار جاهلیت و اسلام و آگاهی‌هایی از او در باب اوائل و اخبار افراد و شاعران، گزارش شده است.^۳

◀ **اهمیت:** تاریخ‌نگاری در شکل خبر که بر محور سیره و مغازی پیامبر شکل گرفت، با ظهور ابوالحسن مدائنی به اوج رسید.^۴ تک‌نگاشته‌های موضوعی و گسترده مدائنی، هر چند در حکم دفترهای شخصی^۵ تلقی شود، در این دوره توانست راه و روش پیشینیان، از عروة بن زبیر (م. ۹۴ق.) تا هشام کلبی (م. ۲۰۴ق.) و معمر مثنی (م. ۲۱۰ق.) را در خود حفظ کند و تکامل بخشد. لقب شیخ الاخباریین برای وی نشان از آن دارد که دست‌کم در گردآوری و تدوین گزارش‌های رخدادها، شهرها و اشخاص، سرآمد

هم‌روزگاران خویش بوده و مقدمات مرحله بعدی تاریخ‌نگاری اسلامی در آثار مسعودی، یعقوبی و طبری را فراهم ساخته است.^۶ نیز این لقب و تحلیل عناوین آثار و نصوص بر جای مانده از وی، نشان دهنده گستردگی تکاپوی دانشی و ذوفنون بودن او است. به تعبیر یکی از پژوهشگران، مدائنی به وسعت امت و جامعه اسلامی، دامنه تحقیق و جست‌وجوی خود را گسترش داده است.^۷ بغدادی از احمد بن یحیی نحوی گزارش می‌کند که هر کس در پی اخبار و تاریخ جاهلیت است، آن را از کتاب‌های ابوعبیده بجوید و هر که تاریخ اسلام را دنبال می‌کند، از کتب ابوالحسن مدائنی بهره گیرد.^۸

اخبار المدینه اکنون در دست نیست و نمی‌دانیم چه هنگام گم شده است. این اثر از کتاب‌های ارزشمندی بوده که در شمار نخستین تواریخ مدینه، مانند کتب ابن زباله و یحیی علوی و ابن شبه، از آن یاد می‌شود.^۹ یاقوت حموی آگاهی‌هایی گوناگون از مدائنی درباره تهامه، وادی بَلَدَح، قصر ابن عفان، و وادی قنات گزینش و گزارش کرده که ممکن است از کتاب *اخبار المدینه* برگرفته

۱. تاریخ الادب العربی، ج ۲، ص ۳۸-۳۹.

۲. تاریخ الادب العربی، ج ۲، ص ۳۹.

۳. نور القیس، ص ۱۸۲-۱۸۴.

۴. بحث فی نشأة علم التاریخ، ص ۳۸-۳۹.

۵. دراسات عن مورخین العرب، ص ۸۵-۸۹.

۶. شیخ الاخباریین، ص ۱۲-۱۳.

۷. شیخ الاخباریین، ص ۱۵؛ بحث فی نشأة علم التاریخ، ص ۱۲۲.

۸. تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۵.

۹. حجاز در صدر اسلام، ص ۴۰-۴۵.

◀ منابع

الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به کوشش علی معوض و عادل عبدالموجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار و زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ ایضاح المکنون: اسماعیل پاشا البغدادی (م. ۳۳۹ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ بحث فی نشأة علم التاریخ عند العرب: عبدالعزیز السدوری، بیروت، دار المشرق، ۱۹۹۳م؛ تاریخ الادب العربی: کارل بروکلمان، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۲۹ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ بغداد: الخطیب البغدادی (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق؛ تاریخ مولد العلماء و وفیاتهم: ابن زبیر ربیع (م. ۳۷۹ق.)، به کوشش عبدالله بن احمد، ریاض، دار العاصمه، ۱۴۱۰ق؛ حجاز در صدر اسلام: صالح احمد العلی، ترجمه: آیتی، تهران، مشعر، ۱۳۷۵ش؛ دراسات عن مورخین العرب: مرغولیوت، ترجمه: حسین نصار، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة؛ روضات الجنات: محمد باقر خوانساری، بیروت، دار الاسلامیه؛ شذرات الذهب: عبدالحی بن العماد (م. ۱۰۸۹ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱ق؛ شیخ الاخباریین ابوالحسن مدائنی: بدری محمد فهد، نجف، مطبعة القضاء؛ عیون الاخبار: ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش مفید محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۹م؛ الفهرست: ابن الندیم (م. ۴۳۸ق.)، به کوشش تجدد؛ کشف الظنون: حاجی خلیفه (م. ۱۰۶۷ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۷ق؛ الکامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ لسان

شده باشد.^۱ سخاوی در الاعلان بالتویخ لمن ذم التاریخ، به اخبار المدینه مدائنی اشاره نکرده است. با آگاهی از این که هدف وی کتابشناسی همه تصانیف البلدان بوده، می توان دریافت که این کتاب در روزگار سخاوی در دسترس نبوده است. شاهد دیگر بر گم شدن اخبار المدینه در زمانی کهن، ناآگاهی سمهودی (م. ۹۱۱ق.) از کارهای مدائنی است. حتی چند گزارش کوتاه که وی از مدائنی آورده، به واسطه دیگران است.^۲ می توان گفت که مدائنی روایتگر کتاب اخبار المدینه* یحیی علوی برای فرزند یحیی، حسین علوی، بوده و این نسخه را سمهودی در دست داشته است.^۳ گزارش هایی گسترده از مدائنی در باب رخدادهای فراوان، از جمله رویدادهای مدینه، در متون تاریخی بازتاب یافته است. اما به دقت نمی توان مرجع و منبع هر خبر و گزارش را از میان آثار گسترده او مشخص کرد.^۴ شناسایی دقیق نصوص و گزارش های اخبار المدینه مدائنی و احیای این کتاب، جز با یافت شدن اصل کتاب امکان پذیر نیست.

۱. معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۸۰؛ ج ۲، ص ۶۳؛ ج ۴، ص ۳۵۵، ۴۰۱.
۲. وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۳۴۶-۳۴۵؛ ج ۳، ص ۵۰۸.
۳. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۱۷۴.
۴. برای نمونه: انساب الاشراف، ج ۱، ص ۸۱، ۹۱، ۵۶۴؛ عیون الاخبار، ج ۱، ص ۶۲، ۱۹۶، ۳۲۲، ۳۸۶؛ ج ۲، ص ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۲۲؛ الاصابه، ج ۱، ص ۵۴۳.

الميزان: ابن حجر العسقلاني (م. ۸۵۲ق.)، بيروت، اعلمی، ۳۹۰ق؛ مجلة العرب (ماهنامه): رياض؛ معجم الادباء: ياقوت الحموي (م. ۶۲۶ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي؛ معجم البلدان: ياقوت الحموي (م. ۶۲۶ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ معجم ما الف عن المدينة المنورة: عبدالرزاق فراج الصاعدي، جده، المكتبة القصرية الذهبييه، ۱۴۱۷ق؛ ميزان الاعتدال في نقد الرجال: الذهبي (م. ۷۴۸ق.)، به كوشش البجاوي، بيروت، دار المعرفة، ۱۳۸۲ق؛ النجوم الزاهرة: ابن تغري بردی الاتابكي (م. ۸۷۴ق.)، مصر، المصرية العامه؛ نور القيس المختصر من المقتبس: محمد بن عمران مرزباني، به كوشش رودلف زنهايم و فرانس اشتاينر، فيسبادن، ۱۹۶۴م؛ الوافي بالوفيات: الصفدي (م. ۷۶۴ق.)، به كوشش الارنوؤوط و تركي مصطفى، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۲۰ق؛ وفاء الوفاء: السمهودي (م. ۹۱۱ق.)، به كوشش محمد نظام الدين، دار الزمان، ۱۴۲۹ق؛ هدية العارفين: اسماعيل پاشا (م. ۱۳۳۹ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي.

علی احمدی میرآقا



اخبار مدینه ← مدینه، تاریخ نگاری

الاخبار المستطابه...: از کتب

فضایل مدینه، نوشته جلال الدین بن خیر الدین حنفی، از دانشوران سده دهم ق.

این اثر با عنوان *الأخبار المستطابه فی فضل مکان طابه* از کتاب‌های فضیلت است و افزون بر این، می‌توان آن را در رده منابع و

کتاب‌های مفاضله (برتری دادن یک شهر بر شهر دیگر) طبقه‌بندی کرد. مصادر و مآخذ این کتاب، آیات قرآن و روایات نبوی هستند. موضوع اثر، یادکرد فضیلت‌ها و ویژگی‌های حرم مدنی است. به مسجد قبا و دیگر مکان‌ها و مناطق مقدس مدینه نیز به سبب تأثیری که در برجسته‌سازی فضیلت‌های حرم مدنی دارند، توجه شده است.

کتاب در یک مقدمه و هشت فصل سامان یافته و چارچوبی منطقی دارد. پس از مقدمه، به ترتیب، نخست آیات و سپس روایت‌های مربوط به ارزش معنوی و فضیلت مدینه ارائه و سیر منطقی مباحث رعایت شده است.

از نویسنده کتاب آگاهی چندان در دست نیست. وی را از دانشوران و تاریخ‌نگاران حنفی روزگار عثمانی خوانده‌اند.^۱ برخی او را جلال الدین بن الیاس بن خیر الدین مدنی و از دانشوران سده دهم ق. دانسته‌اند.^۲

این کتاب در کتابشناسی‌های هم‌روزگار ما با عنوان *الریاض المستطابه فی فضل سکان طابه* نیز ثبت شده است.^۳ کلمه «طابه» در عنوان، به مدینه منوره اشاره دارد؛ زیرا از نام‌های شناخته شده مدینه، طابه و طیبیه به معنای پاکیزه است. عبارت «سکان طابه» به

۱. معجم ما الف عن المدینه، ص ۳۰.

۲. معجم ما الف عن المدینه، ص ۶۵.

۳. معجم ما الف عن المدینه، ص ۶۶.